

# نقش مردم در دولت

## از دیدگاه شهید مزاری



محمد سالم حسنی

### مقدمه

دفاع می‌کرد و آزادی بیان روشن‌فکران و دگراندیشان را لازمه زندگی در عصر جدید برمی‌شمرد. (همان، ۱۳۰)

در این نوشته، ابتدا نکاتی را در مورد نحوه سلوک رهبر شهید با مردم یادآور می‌شوم و در بخش دوم به راهکارهای شهید برای مشارکت مردم در شکل‌گیری دولت مدرن ملی خواهم پرداخت.

### الف. سلوک رهبر شهید با مردم

شهید مزاری، برخلاف دیگر سیاستمداران و مدعیان رهبری، از مردم برای منافع فردی و شخصی خود سپر نمی‌ساخت؛ بلکه تمام هستی خود را در راه احقاق حقوق مردم و انسانی‌سازی سیاست و قدرت، قربانی کرد. رفتار رهبر شهید با مردم به گونه‌ای بود که رابطه او و مردم را هر روز بیش از پیش تقویت می‌کرد و بر پایداری نهضت عدالت خواهی او می‌افزود. برخورد رهبر شهید به مردم را در چند نکته می‌توان خلاصه کرد:

#### ۱. تقدیر از نقش آفرینی مردم

شهید مزاری، از دردهای تاریخی مردم افغانستان به خوبی آگاه بود و نقش آنان را در مبارزات آزادی خواهانه و عدالت طلبانه به شایستگی قدر می‌نهاد. هرچند تقدیر لفظی از مردم، مختص رهبر شهید نیست؛ اما آن چه تقدیر او از مردم را از دیگران تمایز

«مردم»، محوری‌ترین کلیدواژه در گفتمان عدالت خواهی شهید وحدت ملی استاد مزاری است. در دیدگاه رهبر شهید، مشارکت مردم در قدرت از سویی احقاق حقوق انسانی آنان است و از دیگر سو، موجب ثبات قدرت است. اگر مردم و جریان‌های سیاسی را به انسجام و تشکیل حزب واحد مقتدر دعوت می‌کرد، هدف غایی‌اش فراهم‌سازی ابزار مؤثر مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و سهم عادلانه آنان در قدرت بود.

رهبر شهید، رسیدن به دولت مدرن را بدون نقش دادن و سهیم ساختن مردم در مراحل مختلف شکل‌گیری دولت و اعمال قدرت، ناممکن می‌دانست. او سیاست‌ورزی در قرن بیست و یکم با معیارهای قرون هفده و هژده نادرست و غیرعملی می‌خواند و سیاستمداران را به رعایت حقوق اساسی شهروندان با معیارهای نوین بین‌المللی دعوت می‌کرد.

رهبر شهید با اشاره به رویه ناعادلانه تقسیم بندی‌های اداری در گذشته می‌گوید: «این معیار از نگاه عدالت اجتماعی و در عرف سیاسی حتی در قرن هژدهم مورد قبول کسی واقع نمی‌شد؛ چه رسد به امروز که قرن بیست است». (احیای هویت، ۱۳۹۷: ۱۲۵)

او بر استفاده از نوآوری اداری و حقوقی بشر تأکید می‌کرد و رد آن‌ها را انحطاط می‌دانست. در همین راستا از حقوق زنان

می‌دهد، زبان بی‌تکلف و روحیهٔ صادقانهٔ او است. شهید مزاری بالحن صمیمی و دلنشین، خطاب به مردم می‌گوید: «مبارزات مردم با شهادت افغانستان، نه تنها باعث آزادی افغانستان گردید؛ بلکه نصف جهان را از لوٹ وجود آن‌ها {شوروی‌ها} پاک کرد. اگر دیوار بین آلمان شرق و غرب فرو ریخت در اثر مبارزات مردم افغانستان بود». (همان، ۴۴) او به مردم غیور کابل که تنها پشتوانهٔ نهضت حق طلبانهٔ او بودند، بارها گفته بود: «... یکی فداکاری شما مردم که من معتقدم در تاریخ هیچ ملت سابقه ندارد... خون شما مردم دادید، نان شما مردم دادید و شهید شما دفن کردید... من کوچک‌تر از آن هستم که برای احسان شما و فداکاری شما از شما تشکر کنم». (همان، ۱۱۶)

## ۲. مشوره با مردم

شهید مزاری به شیوه‌های گوناگون نظرات و دیدگاه‌های مردم را دریافت می‌کرد. در دوران جهاد و مبارزه علیه اشغال ارتش سرخ، مسیرهای طولانی را همراه با مجاهدین پیاده طی می‌کرد. از آن جایی که پوشش بی‌نهایت ساده و عاری از تجمل داشت و عمداً خود را به دیگران معرفی نمی‌کرد، به راحتی پای حرف‌های مردم می‌نشست و دردها و رنج‌های آنان را با تمام وجود حس می‌کرد.

در دوران مقاومت غرب کابل، رهبر شهید، بیشترین مشوره را با مردم داشت. رهبر شهید در دیدارهای فردی و گروهی مردم، از آنان نظر می‌خواست و به نظرات و دیدگاه‌های آنان به دقت گوش فرا می‌داد. به روایت یاران و همراهان رهبر شهید، یکی از خصوصیات او این بود که وقتی مشکلی از سوی جمع یا فردی مطرح می‌شد، نظر خود آنان را در مورد راه حل می‌پرسید. اگر راه حل ارائه شده معقول و عملی بود، به سادگی می‌پذیرفت و دستور می‌داد انجام شود.

## ۳. طرح جزئیات مبارزه با مردم

شهید مزاری که خود را مدافع منافع مردم و مبارز راه احقاق حقوق آنان می‌دانست، دانستن جزئیات رویدادها را یکی از حقوق اساسی مردم می‌شمرد. استاد مزاری در سخنرانی‌های عمومی و دیدارهایش با افراد متعدد، به دو منظور جزئیات را در میان می‌گذاشت: یکی ثبت حوادث در تاریخ، تا آیندگان

و نسل‌های بعدی بدانند مبارزات او و مردمش در چه شرایطی قرار داشته است و دیگری، آگاهانیدن مردم. شهید مزاری معلومات بیشتر رویدادها را با صداقت و جزئیات برای مردم شرح می‌داد. هیچ‌گاه نخواست برای مردم روایت دروغین بسازد و از روایت‌سازی موج‌خلق کند و خود سوار بر آن موج به سوی ساحل منافع فردی پیش رود.

شرح جزئیات تحولات با مردم، یک شیوهٔ استراتژیک و از مختصات سیرهٔ سیاسی رهبر شهید بود که میان او و مردمش پلی محکم و استوار از اعتماد به وجود آورده بود. مردم در لحظه لحظهٔ حوادث خود را شریک می‌دانستند و در مقابل صداقت رهبرشان، با تمام وجود در مبارزات عدالت‌خواهانه او مشارکت می‌کردند.

## ۴. استفاده از توان مندی مردم

استاد شهید برای این که زمینهٔ مشارکت واقعی مردم را در امر مبارزه فراهم کند، بدون هیچ قید و محدودیتی از توان مندی تشکل‌ها و افراد استفاده می‌کرد. این شیوهٔ عمل، دو جنبه داشت: یکی شایسته‌سالاری در سیرهٔ مدیریتی رهبر شهید و دیگری سهیم ساختن حد اکثر نیروها در مبارزه. بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، در حلقهٔ خاصی محصورند که همهٔ کارها به آن‌ها و افراد مورد نظر آنان واگذار می‌شود؛ اما بسیاری از افراد توانمند و دارای انگیزه، از حیطةٔ توجه خارج می‌مانند. در نتیجه یا به گونهٔ غیر مؤثر در بخش‌های نامربوط به کار گرفته می‌شوند یا دلسرد شده و به گوشهٔ عزلت پناه می‌برند. شیوهٔ مدیریتی شهید مزاری به گونه‌ای بود که در انجام امور، به متخصصان مردم خود اعتماد می‌کرد و از هر فرد، متناسب با توانمندی او در راستای مبارزهٔ عدالت‌خواهانه بهرهٔ لازم می‌گرفت.

محسن نجاشی، یکی از مبارزین دورهٔ مقاومت غرب کابل در خاطرات خود از شهید مزاری می‌گوید: «پیش استاد {مزاری} رفتم و گفتم: استاد لوی ۷۲ تشکیل شده است؛ موقف من در این جا چیست؟ استاد بسیار واضح و پوست‌کنده گفت: تو در این جا جای نداری. گفتم: لویی که تشکیل شده همه نیروهایش از من است. چطور در این جا نقشی ندارم و گفتم من خیانت کردم، کدام ضعف دارم و یا به من اعتماد ندارید؟

باتوجه به شرایط موجود در دهه هفتاد، شهید مزاری، نظام فدرالی را بهترین راه حل برای تشکیل دولت ملی می دانست. از دیدگاه رهبر شهید، نظام فدرالی بهترین سیستمی بود که می توانست زمینه مشارکت عادلانه مردم را در قدرت سیاسی و هم چنین رسیدن به انکشاف متوازن را فراهم سازد.

استاد گفت: آن طور نیست. تونظامی و کادر نیستی، ما کسانی را در این جا جذب می کنیم که کادر و تحصیل کرده نظامی باشد. تودراین جا مناسب نیستی و تورا در هر جای دیگر که خودت بگویی جذب می کنیم». (عدالت و امید، ۱۳۹۷، ۱۸۳)

رهبر شهید، دیدگاه وسیع داشت و حضور افراد توانمند را هرگز برای خود خطر احساس نمی کرد. او توانست با به کارگیری نخبگان و جوانان توانمند، یکی از به یادماندنی ترین مقاومت ها در تاریخ تحولات کشور را رقم بزند.

#### ۵. توانمندسازی مردم

نگاه شهید مزاری به مبارزه، بلند مدت بود. وی با تمام مشکلاتی که او و نهضت عدالت خواهی اش را احاطه کرده بود، هرگز اسیر روزمرگی نشد. مشکلات ناشی از جنگ های سیاسی، او را از اندیشیدن به فردا و دورنمای مبارزات عدالت خواهی باز نداشت. در بحبویه جنگ ها که هر سنگر به افراد بیشتری نیاز داشت، رهبر شهید تلاش می کرد جوانانی را از میان مردم شناسایی و برای تحصیلات به خارج از کشور بفرستد. محور دیگر توانمندسازی مردم توسط رهبر شهید، فراهم سازی زمینه تحصیل و کسب تخصص های لازم برای مهاجرین افغانستانی در خارج از کشور از جمله ایران بود. بیشترین کدرهای ارزش گرا و توانمند امروز ما حاصل این رویکرد شهید مزاری است. این امر، نشانگر دلسوزی و آینده نگری او نسبت به

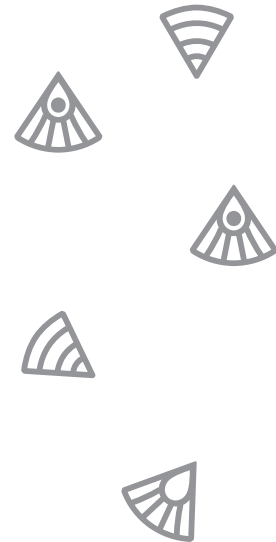
مردم و کشور است. استاد شهید، تنها به مشارکت مردم در زمان خود نمی اندیشید؛ بلکه او می خواست در فردای پیروزی، کدرهای توانمند در میان مردم باشند تا هم مشارکت معنادار مردم در قدرت را ممکن سازند و هم برای بازسازی افغانستان پساجنگ، مؤثر واقع شوند.

#### ۶. هشدار به مردم

استاد شهید، به معنای واقعی کلمه یک رهبر بود. او به خوبی می دانست در کجا مردم را تشویق و از فداکاری های شان تقدیر کند و در چه موقع نسبت به کم کاری و بی توجهی ها هشدار دهد. او با آگاهی از حساس بودن آن مقطع تاریخی، مردم را نسبت به کوتاهی در مبارزه هشدار می دهد.

استاد شهید پس از رویداد المناک افشار، دردمندانه از کوتاهی و مسئولیت گریزی برخی نظامیان گلایه می کند و بر ضرورت مقاومت تأکید می کند. «من از دشمن و از فجایع دشمن زیاد رنج نمی برم، دشمن دشمن است. از دشمن انتظاری غیر از بدی نیست؛ اما آن رنجی که من امروز می برم این است که امروز مردم ما مسلحش بی غیرت شده که به ناموسش تجاوز می شود؟... من خیلی خوشبخت و راضی بودم که کشته می شدم؛ ولی این حرف را نمی شنیدم. برای من بسیار ناگوار است». (احیای هویت، ۱۳۹۷: ۷۶)

شهید مزاری بارها از مردم می خواست نسبت به سرنوشت شان حساس



باشند. او این حقیقت را فریاد زد که: ملتی که نسبت به سرنوشت حساس نباشد، مرده است.

## ۷. تعهد به منافع مردم

بدون تردید، شهید مزاری از رهبران کم نظیر انقلابی است که هیچ امتیاز و امکاناتی برای خود نمی خواست. تمام هم و غم او منافع مردم و رها کردن مردم از محرومیت بود. او با صداقت تمام می گفت که من هیچ منفعی جز منافع شما مردم ندارم. رهبر شهید این امر را فقط نگفت؛ بلکه عملاً هم به اثبات رساند. او به عنوان یک رهبر، ساده ترین و بی آرایش ترین زندگی را داشت و هیچ ثروت شخصی نیندوخت و از خود به میراث نگذاشت؛ اما در عوض، الگوی ماندگاری از ایستادگی بر سر عهد و پیمان با مردم و آرمان های عدالت خواهانه آنان را ثبت تاریخ کرد.

## ب. راهکارهای شهید مزاری برای مشارکت مردم در تشکیل دولت مدرن ملی

هر چند شهید مزاری برخاسته از حوزه علوم دینی بود و انتظار می رفت اندیشه سیاسی اش، در حکومت دینی که حاکمیت را انحصاراً حق خداوند می داند، منجمد باشد؛ اما در واقع او یک جمهوری خواه بود و تشکیل دولت مدرن ملی با مشارکت عادلانه مردم، از اهداف محوری او بود. هم چنان که حضور مردم مهم ترین عنصر و جان مایه جمهوریت است، شهید مزاری نیز تمام تمرکز خود را بر احقاق حقوق اساسی مردم گذاشته بود. برای این که حضور مردم در تشکیل دولت ملی مؤثر، عادلانه و معنادار باشد، شهید مزاری چند راهکار را در مرکز خواست هایش قرار داده بود.

### ۱. برگزاری انتخابات

باتوجه به محوریت مردم در دولت مدرن، برگزاری انتخابات و مراجعه به آرای مردم مهم ترین گام در شکل گیری آن است. شهید مزاری با آگاهی از این امر در بجهت جنگ به برگزاری انتخابات تأکید داشت. رهبر شهید به انتخابات به عنوان یک شعار نه که به عنوان تنها راه حل گذار از بحران می نگریست. از همین رو حزب وحدت اولین طرح انتخاباتی منسجم را در دهه هفتاد آماده کرد و برای بررسی در معرض منتقدان و صاحب نظران قرار داد.

## ۲. تعدیل واحدهای اداری یا تغییر حوزه انتخاباتی

شهید مزاری، روش انتخاب نمایندگان مردم بر اساس ولایت را غیر عادلانه می دانست. برای رعایت عدالت در این زمینه، شهید مزاری دو راهکار بلند مدت و کوتاه مدت پیشنهاد کرد. راهکار دراز مدت، تعدیل واحدهای اداری بود که باید مناطق مرکزی از ولایات و اُسوالی های بیشتر برخوردار باشد تا حوزه های انتخاباتی عادلانه تنظیم شود و مضاف بر آن، امکانات بر اساس واحدهای اداری نیز به صورت متوازن تخصیص یابد. راهکار کوتاه مدت و قبل از تعدیل واحدهای اداری، تنظیم سیستم نمایندگی بر اساس تعداد نفوس بود. شهید مزاری همیشه بر نقش داشتن اقوام در قدرت، بر اساس تعداد و درصدی نفوس شان تأکید داشت.

این راهکار رهبر شهید، یکی از کلیدی ترین راه های نقش دادن به مردم در تشکیل دولت مدرن ملی بود که خوشبختانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، به خوبی تسجیل یافته است. هر چند متأسفانه آمار دقیقی از میزان و درصدی نفوس در کشور نداریم؛ اما اصل نمایندگی بر اساس تعداد نفوس در هر ولایت، نهادینه شده است.

## ۳. پیشنهاد نظام فدرالی

باتوجه به شرایط موجود در دهه هفتاد، شهید مزاری، نظام فدرالی را بهترین راه حل برای تشکیل دولت ملی می دانست. از دیدگاه رهبر شهید، نظام فدرالی بهترین سیستمی بود که می توانست زمینه مشارکت عادلانه مردم را در قدرت سیاسی و هم چنین رسیدن به انکشاف متوازن را فراهم سازد. از نگاه نظریه پردازان سیاست و قدرت، نظام فدرالی می تواند، با حفظ تمامیت ارضی کشور، آزادی ها و خودمختاری های متناسب با خورده فرهنگ های موجود و روحیات اقوام را مجاز شمارد و راه مشارکت شهروندان را در قدرت سیاسی هموار سازد. رهبر شهید با اشاره به کشورهایی که با نظام فدرالی، از بحران های سیاسی-اجتماعی عبور کرده و روند رو به رشد گرفته اند، مخالفت ها با این نوع نظام را ناموجه می دانست. (همان، ۴۹-۵۲)

#### ۴. حضور ملیت‌ها در روند تدوین قانون فدرالی

یکی از به یادماندنی‌ترین پیام‌های رهبر شهید، تأکید بر حق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت بود. در نگاه شهید مزاری، حضور نمایندگان همه اقوام در گام‌های اولیه قانون‌گذاری، از اهمیت زیاد برخوردار است. رهبر شهید تأکید داشت که هیأت‌ها، کمیسیون‌ها و کمیته‌هایی که برای تنظیم لوایح، مقررات و طرزالعمل‌های نظام فدرالی تشکیل می‌شوند، باید فراگیر باشند. او متوجه خشت اول بود که باید به گونه عادلانه و فراگیر گذاشته شود. رهبر شهید، به خوبی متوجه بود که «از کوزه همان برون تراود که در اوست» و بر همین اساس تأکید داشت هیأت‌های این چنینی، باید متشکل از نمایندگان همه اقوام ساکن در کشور باشد تا نتیجه برآمده از تصمیمات آن عادلانه و برای همگان قابل پذیرش باشد.

استاد شهید در این رابطه تصریح می‌کرد: «اگر نمایندگان ملیت‌های مختلف، در ساختن قوانین دولت فدرالی سهم نداشته باشند، باز هم آن قانون طوری تدوین خواهد شد که ملیت‌ها از حقوق خود محروم شوند و اگر سهم داشته باشند، قانونی تدوین خواهد شد که حقوق همه را در نظر بگیرند.» (همان، ۵۲) استاد شهید، با تأکید بر این امر، در پی آن بود تا مشارکت مردم در تشکیل دولت مدرن ملی، به گونه واقعی و مؤثر نهادینه شود.

#### ۵. میدان دادن به احزاب سیاسی و چهره‌های مستقل

شهید مزاری وجود احزاب سیاسی را در شکل‌گیری دولت ملی مؤثر و مهم می‌دانست. از این رو، در انتخابات خواستار سیستمی بود که احزاب سیاسی بتوانند نقش فعال و کاندیداهای متعدد داشته باشند و رای کاندیداهای آنان قابل انتقال باشد. مضاف بر احزاب سیاسی، رهبر شهید می‌خواست، چهره‌های مستقل نیز زمینه و فرصت نامزدی سیاسی و اداری داشته باشند و در کنار کاندیداهای احزاب، به صورت فردی یا گروه‌های ائتلافی، به رقابت انتخاباتی بپردازند. شهید مزاری روی سیستمی در انتخابات تأکید داشت که حتی رای یک نفر هم بی‌تأثیر نباشد. (همان، ۱۲۶-۱۲۷)

این راهکار رهبر شهید، نیز در امر نقش دادن به مردم در تشکیل دولت مدرن ملی، دارای اهمیت به سزا است. در واقع تمام تمرکز او این بود که چگونه می‌توان قدرت را از انحصار چند چهره خاص خارج و در اختیار مردم قرار دهد.

#### ۶. به رسمیت شناختن تکثر قومی و مذهبی

شناخت شهید مزاری از کشور واقعی و جامع بود. بر اساس همین شناخت جامع، بر به رسمیت شناختن تکثر و تنوع در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأکید داشت. «مبنای سیاست حزب وحدت این است که همه مردم و اقوام مختلف افغانستان در جهاد و آزادی کشور سهم داشته‌اند؛ باید در تصمیم‌گیری‌های آینده‌اش هم شریک باشند.» (همان، ۱۹۲)

تکثر مذهبی یکی از راهکارهای مورد تأکید رهبر شهید در راستای نقش دادن به مردم در شکل‌گیری نظام سیاسی بود. از آن جا که مردم افغانستان به شدت دینی هستند و دین بر تمامی مناسبات اجتماعی آنان حاکم است، به رسمیت شناختن مذاهب اسلامی در قانون اساسی از اهمیت ویژه برخوردار است. از این رو، رهبر شهید بر رسمیت یافتن مذهب جعفری به عنوان یکی از مذاهب مهم اسلامی تأکید داشت.

#### سخن آخر

شهید وحدت‌ملی استاد عبدالعلی مزاری، تشکیل دولت مدرن ملی را بدون مشارکت عادلانه مردم و مشارکت عادلانه مردم در قدرت را بدون تشکیل مدرن ملی، ناممکن می‌دانست.

#### منابع

۱. احیای هویت، (۱۳۹۷). (مجموعه سخنرانی‌های شهید وحدت‌ملی، استاد عبدالعلی مزاری)، به کوشش امان‌الله فصیحی و حسین حیدر بیگی، بنیاد اندیشه، کابل.
۲. عدالت و امید، شماره سوم حوت ۱۳۹۷، بنیاد اندیشه، کابل.